

## اقتصاد ایران رشدی نامتعادل و ناپایدار با انبوهی از مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱ رشدی برابر ۶/۵ درصد را تجربه کرد. از تاریخ اعلان این رقم توسط آقای رئیس جمهور در ۱۰ ماه پیش، شماری ناآشنا به اصول دانش اقتصاد، با خوش خیالی این رقم را بازگو کرده اند و شگفت تر اینکه سازمان مدیریت و برنامه ریزی در تدوین پیش نویس قانون برنامه چهارم، از رشد ۸ درصدی طی سالهای برنامه سخن گفته است.

هدف از نگارش این مطلب توجه دادن به علل و عوامل این رشد و بیان شکنجگی و ناپایداری آن طبق قانونها و اصول دانش اقتصاد است.

رشد اقتصادی را بر مبنای قیمت های ثابت اندازه گیری می کنند. یعنی در محاسبه آن اثرات تورم کنار گذاشته می شود. در ایران فعلا محاسبات تولید ناخالص داخلی بر پایه قیمت های ثابت سال ۱۳۶۹ قرار دارد.

اقتصاد ایران در دوره سه ساله ۱۳۷۹-۸۱ از رشد متوسطی برابر ۵/۶ درصد برخوردار بوده است (بترتیب ۵/۱ درصد، ۵/۴ درصد و ۵/۵ درصد). در همین دوره، تولید نفت در کشور سیر نزولی داشته، یعنی روزانه از ۳/۶۶۱ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۹ به ۳/۵۷۴ میلیون بشکه در سال ۱۳۸۰ و ۳/۳۰۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. این عامل سبب شده که متوسط رشد بخش نفت و گاز در سه سال اخیر منفی و برابر ۲/۶- درصد باشد. اگر بخش نفت و گاز را کنار بگذاریم (که از نظر اقتصاد ملی بی معنی است)، رشد اقتصاد کشور در سال ۱۳۸۱ به ۷/۵ درصد و متوسط رشد سه ساله اخیر به ۶/۳ درصد (در سنجش با ۶/۵ درصد شامل بخش نفت و گاز) افزایش می یابد.

برای شناخت قدرت یا توان هر اقتصاد باید دید که رشد در کدام یک از بخش های اقتصاد حاصل شده است و علل آن چیست؟ جدول شماره ۱، اخذ شده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی و نیز ارقام منتشر شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (جدول شماره ۶) رشد اقتصادی کشور (کل تولید ناخالص داخلی) در سال ۱۳۸۱ را بترتیب برابر ۶/۵ درصد و ۷/۴ درصد نشان می دهد. و سرچشمه اصلی رشد، رشد کشاورزی برابر ۱۷/۷ درصد، رشد صنعت و معدن برابر ۱۷/۸ درصد و رشد بخش ساختمان برابر ۱۳/۰ درصد بوده است. در حالیکه همین ارقام در سال ۱۳۸۰ بترتیب عبارت بوده اند از: رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۳ درصد، کشاورزی ۰/۷- (منفی)، صنعت و معدن ۹/۱ و ساختمان ۳/۱۲ درصد. ارزش افزوده بخش نفت و گاز در سال ۱۳۸۱، طبق گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی معادل ۷/۱- درصد (سال ۱۳۸۰ برابر ۸/۴- درصد) رشد منفی داشته است اما بانک مرکزی همین رقم منفی را مثبت اعلام داشته و رشد بخش نفت و گاز را ۵/۱ درصد ذکر کرده است (جدول ۶). این تضاد آشکار با شکاف ۲/۱۲ درصدی اختلافی برابر ۰/۹ درصد در رقم رشد تولید ناخالص داخلی بنابر گزارش در مرکز رسمی را ایجاد کرده است، یعنی رقم بانک مرکزی را بالاتر از رقم سازمان مدیریت و برنامه ریزی می سازد که در هر صورت خود این اختلاف نیز با توجه به سهم نفت و گاز در اقتصاد ایران (حدود ۶ درصد)، دقیق به نظر نمی رسد.

حالا باید دید چهار بخش و زیربخش رشد یابنده چرا رشد داشته اند و این رشد چقدر سالم، دلخواه و در راستای هدفهای کل سامانه برنامه ریزی کشور بوده و، از همه بالاتر، آیا قابل دوام و بقاء هست یا نه؟

۱. کشاورزی: رشد بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۱ همانطور که دیدیم ۱۷/۷ درصد گزارش شده است در حالی که رشد آن در سال قبل ۰/۷- درصد (منفی) و متوسط رشد سه ساله آن ۵/۷ درصد بوده

است، با توجه به اینکه رشد سرمایه گرایی در ماشین آلات کشاورزی به قیمت های جاری در چهار سال ۸۱-۱۳۷۸ تقریباً ثابت و در حدود ۲ درصد بوده است (به ترتیب ۲/۰ درصد، ۷/۹ درصد، ۲/۲ درصد و ۲/۱ درصد) و بدون سرمایه گذاری در ماشین آلات جدید، تکنولوژی جدید نیز به کشاورزی وارد نمی شود و سهم سرمایه گذاری در ماشین آلات در کشاورزی در سال ۱۳۸۱ همچنان ناچیز و در این سال برابر ۰/۲۱ درصد کل سرمایه گذاری در ماشین آلات بوده است. از سوی دیگر، نقش سایر عوامل تولید در کشاورزی (کار و زمین) نیز ثابت و مخصوصاً عامل کار کشاورزی در حال فرسایش است (مطالعات مرکز آمار ایران نشان می دهد که با مهاجرت نیروی کار جوان از روستاها، بیشتر کودکان و پیران بالای شصت سال در روستاها باقی مانده اند). تنها یک عامل می تواند باعث رشد ایجاد شده در بخش کشاورزی باشد و آنهم لطف خداوند است که با ریزش باران کشت دیم را رونق بخشیده و به وزیر جهاد کشاورزی فرصت داده که از نزدیک به خود کفا بودن در تولید گندم سخن گوید. زیاد شدن سطح کشت دیم ناشی از بارندگی کافی عامل اصلی رشد زیربخش زراعت (۱۳/۸ درصدی در سال ۱۳۸۱) در مقابل رشد ۵/۱ درصدی در سال ۱۳۸۰ و رشد ۵/۰ درصدی در سال ۱۳۷۹ بوده است. از سوی دیگر، فرونی بارندگی و سرسبزی چراگاهها، رشد زیربخش های دامداری و جنگلداری را نیز باعث گردیده است. واضح است که بارشهای آسمانی در کنترل مانعیت و در نتیجه رشد بخش کشاورزی بدون تغییرات بنیادین در داده های کشاورزی، بویژه، تزریق تکنولوژی و علمی کردن کشاورزی با سرمایه گذاری فراوان در عامل انسانی و فراهم سازی تاسیسات مربوط، یعنی کشاورزی علمی و سرمایه گذاری عمقی بادمون نخواهد بود.

۲. صنایع و معدن: رشد بخش صنایع و معدن در سال ۱۳۸۱ برابر ۱۷/۲ درصد (بانک مرکزی ۱۷/۸ درصد) بود که حاصل ۱۱ درصد رشد در بخش صنعت و ۱/۸ درصد رشد در بخش معدن بوده است. متوسط رشد سه ساله این بخش نیز ۱۱ درصد محاسبه شده است. غیر از مسئله فراوانی ارز و فراهم سازی امکانات واردات مواد اولیه و قطعات که بعداً درباره آن گفته خواهد شد. رشد زیربخش صنعت از رشد عظیم تولید خودرو و قطعات اعم از تولید داخلی و واردات، بصورت مجموعه، حاصل شده است که به کمک وزارت بازرگانی و وزارت صنایع، برای این محصولات اولاً قیمت ها بضرر مصرف کننده و نیز صنایع دیگر در سطح بسیار بالاتر از قیمت های جهانی حفظ شده، و دوم اینکه با جلوگیری از ورود خودرو و تضمین سود فراوان در این صنعت، سرمایه گذاریهای صنعتی در این صنعت متمرکز شده، و سوم اینکه سرمایه های سرگردان (در شرایط ناتوانی سیستم بانکی در جذب و هدایت سپرده ها) با هدف سودجویی و یا حفظ قدرت خرید، دارای هابسوی خرید و نگهداری و فروش خودرو هدایت شده است. تولیدیاب برنامه ریزی برای تولید حدودی نوع خودرو سواری بنحوی که روزانه حدود ۱۳۰۰ خودرو بتعداد خودروها در خیابانها و جاده ها افزوده می شود (همراه با ۳۲۰ موتورسیکلت)، غیر از افزایش ۴۲ درصدی مصدومان در سال ۱۳۸۱ (شامل ۲۱۸۷۳ فوتی) و وارد آوردن آسیب جبران ناپذیر به محیط زیست، بویژه در شهرهای بزرگ، عامل انحراف واقعی و بهمان اندازه جبران ناپذیر منابع از تولید و بکارگیری وسائط نقلیه عمومی (تاوگان حمل و نقل شهری و جاده ای) یعنی تولید اتوبوس، ترالی، واگن، لکوموتیو و توسعه شبکه راه آهن کشور است.

سیاست های توسعه صنعتی ۱۵ سال اخیر کشور که تنها در خدمت سودجویی چند گروه دارای پروانه خودرو سازی بوده است (هر چند طبق ادعا حدود ۴۰۰ هزار شغل ایجاد، و حدود ۶۵۰ شرکت تولیدکننده قطعات را فعال ساخته است)، از ضرورت حیاتی هدایت سرمایه گذاری ها به تولید ماشین آلات کشاورزی و تزریق تکنولوژی به کشاورزی غافل بوده است. بجای تولید حداکثر سه یا چهار نوع اتومبیل برای طبقات مختلف مردم بر پایه کاهش مصرف سوخت و منطبق با استانداردهای جهانی، سیاست توسعه صنعتی می بایست معطوف تولید دستکم سی گونه ماشین آلات کشاورزی با تکنولوژی روز می شد که شایسته سهم ۱۷/۳ درصدی اشتغال و سهم چهل درصدی آن در زندگی و سکونت جمعیت کشور باشد. (درباره سایر اولویت های توسعه صنعتی ضروری ایران قبلاً جداگانه تحت عنوان، اقتصاد ایران قبل از برنامه ریزی احتیاج به پاکسازی و تعدیل دارد، نوشته شده است).

۳. ساختمان: رشد ارزش افزوده بخش ساختمان در دوره سه ساله ۱۳۷۹-۸۱ برابر ۱۷/۰ درصد و در سال ۱۳۸۱ معادل ۱۳/۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، در همین دوره تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان در بخش خدمات به قیمت های جاری سالی حدود ۷۰ درصد رشد داشت و به قیمت های ثابت بطور میانگین این رشد سالی ۱۷/۶ درصد بوده است. رشد سرمایه گذاری ثابت ناخالص در ساختمان بخش خدمات به قیمت های ثابت در سال ۱۳۸۱ برابر ۱۷/۲ درصد محاسبه شده، که از رشد تشکیل سرمایه در بخش ساختمان دولتی ۱۳/۲ درصد و رشد تشکیل سرمایه خصوصی در بخش ساختمان برابر ۱۷/۴ درصد در کل اقتصاد سرچشمه گرفته است.

طبق اطلاعات منتشر شده توسط شهرداریهای منطقه های شهری که در گزارش های بانک مرکزی بازتاب یافته و مشاهدات چشمی، رشد بخش ساختمان مانند رشد بخش صنعت (خودرو) مبتنی بر رفع نیاز واقعی مردم یعنی تأمین مسکن مناسب برای طبقه های متوسط و پایین جامعه (که قدرت خرید کافی ندارند) نبوده است. در سال ۱۳۸۱ از ۵۲۹۳۲۱ ساختمان جدید ۳۷۴۲۹ واحد در تهران و شهرهای بزرگ (۷۱ درصد) متمرکز بوده است. لوکس سازی و انبوه سازی (برج سازی) در منطقه های خاصی از شهرها و نیز پاساژسازی و ساخت املاک تجاری با هدف سودجویی آنی (استفاده از سرقفلی) بار دیگر سرمایه ها را بسوی فعالیتهای غیرمولد و مرده برای کشور هدایت کرده است. دو سوم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور در بخش ساختمان و در خدمات متمرکز شده است. یعنی سهم ساختمان سازی در بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۱ تنها برابر ۷/۸ درصد، در بخش صنایع و معدن ۱۳/۳ و در بخش نفت و گاز ۷/۹ درصد بوده است. سیاست های شهرداری ها دایر بر مزایده گذاشتن فضای شهرها (تراکم) و پیدا شدن ده ها هزار واحد مسکونی و تجاری لوکس خالی (۴۰ درصد آپارتمانهای شمال تهران خالی از سکنه است. هدف و اقتصاد ۲ دیماه ۱۳۸۲) که توسط افراد دارای پس اندازهای عمده تولید و یا خریداری شده است. نه تنها با بالابردن کاذب تقاضا، بهای زمین و مسکن را بدون هیچ معیاری افزایش داده است، بلکه با انحراف پس اندازهای جامعه از سرمایه گذاری های توسعه صنعتی واقعی ریشه های رشد و توسعه پایدار و خود اتکاء را خشک کرده است. (جدول ۵)

دکتر علی رشیدی